



AP-عکس

در دیدار ترامپ با بن سلمان پس از ۷ سال چه گذشت؟

پیمان ابراهیم؛ شاید وقتی دیگر

اعلام کرد ایالات متحده فروش جنگنده‌های پیشرفته

F-35 را به عربستان تأیید کرده؛ تصمیمی که برخلاف رویه معمول واشنگتن، بدون جلب رضایت کامل اسرائیل صورت گرفته است. دوم، رئیس جمهوری آمریکا گفت دو کشور «به توافق» یک پیمان دفاعی جدید رسیده‌اند، هرچند جزئیات تعهدات امنیتی مشخص نشد. هم‌زمان محمد بن سلمان وعده سرمایه‌گذاری تا یک تریلیون دلار در اقتصاد آمریکا را مطرح کرد تا وزن روابط راهبردی ریاض- واشنگتن را بیش از پیش برجسته کند. اما مهم‌ترین بخش سیاسی گفت‌وگو، مسأله پیوستن عربستان به «توافقنامه‌های ابراهیم» بود. با وجود این نمایش قدرت و نزدیکی سیاسی، هیچ پیش‌رفتی در مهم‌ترین هدف ترامپ دیده نشد؛ پیوستن عربستان به توافقنامه ابراهیم و عادی‌سازی روابط با اسرائیل.

پرونده‌های ناتمام

در دیدار اخیر دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده، با محمد بن سلمان ولیعهد عربستان سعودی در کاخ سفید، مجموعه‌ای از موضوعات امنیتی، اقتصادی و سیاسی مطرح شد. ترامپ اعلام کرد، ایالات متحده

مسقط در این شورا محتمل فشارهای سیاسی و رسانه‌ای شده است، ولی اعضای شورای همکاری خلیج فارس با این‌که در پرونده‌های مختلف با عمان مشکل دارند، اما برای دیپلماسی عمومی در روز ملی عمان اهمیت خاصی قائل هستند. اکنون ما وارد روابط ویژه‌ای با عمان شده‌ایم، در طول سه دهه گذشته تمامی رؤسای جمهوری اسلامی ایران به عمان سفر کرده‌اند و سلاطین عمان نیز با تمام دولت‌های ایران رابطه حسنه و بدون چالشی داشتند. طی ۳۰ سال گذشته عمان در موارد مختلف با ایران همکاری داشت و نقش میانجی‌گرانه این دولت در پرونده‌های منطقه‌ای آنقدر به دور از حواشی و سوءنیت بود که رهبر معظم انقلاب آنها را محترم منطقه خواندند.

روابط سیاسی و اقتصادی دو طرف در طول سه دهه اخیر به طوری گسترده شده که اشاره ولو مختصر به آن از حوصله این مقال خارج است، ولی می‌توان به طور اجمال به روابط یک‌سال اخیر ایران و عمان نظر افکند و نشان داد که چرا امروز روابط سیاسی با عمان در سطح راهبردی است.

خرداد سال جاری آقای پزشکیان سفری به مسقط داشتند که ماحصل آن امضای ۱۸ سند

بود که در تاریخ روابط دوجانبه با

دولت های گوناگون و

تصمیم دارد عربستان را به‌عنوان «متحد اصلی غیرناتو» معرفی کند. همزمان، کاخ سفید اعلام کرد که دو کشور یک توافق دفاعی استراتژیک نیز امضا کرده‌اند؛ توافقی که جزئیات آن علنی نشد، اما براساس توضیحات اولیه، شامل «حمایت مالی جدید عربستان برای پوشش هزینه‌های آمریکا» و همچنین تسهیل فعالیت شرکت‌های

در این دیدار، بن سلمان به یکی از مهم‌ترین خواسته‌های دیرپه‌اش یعنی دریافت تعهد از دولت ترامپ برای فروش جنگنده‌های رادارگریز F-35 رسید؛ هواپیمایی که پیشرفته‌ترین جنگنده آمریکا و ستون اصلی برتری نظامی اسرائیل در منطقه محسوب می‌شود. اسرائیل به‌طور سنتی تنها دارنده این جنگنده در خاورمیانه بوده و آمریکا سال‌ها فروش آن به هر کشور عربی را خط قرمز می‌دانست. ترامپ حالا بدون توضیح دادن اینکه این

تصمیم چگونه با «حفظ برتری کیفی اسرائیل» سازگار

است، این مانع را برداشت. F-35ها برای عربستان نه‌فقط یک ابزار نظامی، بلکه نماد ورود رسمی به باشگاه امنیتی غرب هستند. با این حال، هنوز روشن نیست سعودی‌ها چند فروندی می‌توانند

سفارش دهند و چه زمانی تحویل خواهد شد؛ فروش آن نیازمند تأیید کنگره است و عربستان در صفی قرار می‌گیرد که حدود ۲۰ کشور دیگر پیش از او ایستاده‌اند. قیمت هر جنگنده بین ۸۰ تا ۱۱۰ میلیون دلار است و حتی در صورت تصویب، سال‌ها طول می‌کشد تا اولین F-35 در آسمان عربستان پرواز کند. به‌همین دلیل دستیابی فوری به آن قطعی نیست، اما اصل تعهد سیاسی آمریکا بزرگ‌ترین پیروزی این سفر بود.

علاوه بر این، عربستان دسترسی به پیشرفته‌ترین تراشه‌های آمریکایی را نیز به دست آورد؛ تراشه‌هایی که برای ساخت مراکز داده و توسعه پروژه هوش مصنوعی MBS حیاتی هستند. ولیعهد بدون نام بردن از چین، به واشنگتن فهمانده بود که اگر آمریکا تردید کند، پکن آماده جایگزینی است؛ همین کارت چین، برگ فشار اصلی او بود. در مقابل، بن‌سلمان به ترامپ قول داد بیش از یک تریلیون دلار در آمریکا سرمایه‌گذاری کند؛ وعده‌ای که بیشتر جنبه سیاسی داشت و جزئیات زمانی آن نامعلوم است.

توافق ابراهیم مشروط به تشکیل فلسطین

اما بخش سیاسی دیدار و برای بسیاری مهم‌ترین محور آن گفت‌وگو درباره توافقنامه‌های ابراهیم بود؛ مجموعه‌ای از توافق‌های صلح و عادی‌سازی که در دولت اول ترامپ میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی امضا شد. این توافق‌ها روابط رسمی اسرائیل را با امارات، بحرین، مراکش و سودان برقرار کرد و از آن زمان، واشنگتن در تلاش بوده که عربستان را نیز وارد این چهارچوب کند. ترامپ در این دیدار بدون ارائه جزئیات، از «پیشرفت» در این زمینه سخن گفت. اما محمد بن‌سلمان بار دیگر با صراحت تأکید کرد که عربستان اساساً مخالف عادی‌سازی نیست و حتی «مایل است بخشی از توافقنامه ابراهیم باشد»، اما تنها به یک شرط روشن: وجود یک مسیر معتبر، عملی و قابل تضمین برای

تشکیل کشور فلسطینی.

ولیعهد گفت: «ما معتقدیم داشتن رابطه خوب با همه کشورهای منطقه چیز خوبی است. ما می‌خواهیم بخشی از توافقنامه ابراهیم باشیم، اما همچنین می‌خواهیم مطمئن شویم که مسیری روشن برای راه‌حل دو کشوری وجود دارد. امروز درباره این موضوع گفت‌وگوی سالی

داشتیم و باید روی آن کار کنیم تا شرایط مناسب در اسرع وقت فراهم شود.» این موضع‌گیری تکرار همان خط‌مشی قدیمی عربستان است که در «ابتکار صلح عربی» سال ۲۰۰۲ نیز تأکید شده بود: «به رسمیت شناختن اسرائیل تنها در برابر تشکیل کشور فلسطین.» اهمیت این موضع در شرایط فعلی دوچندان است، زیرا دولت فعلی اسرائیل و بویژه بنیامین نتانیاهو، بارها مخالفت خود را با تشکیل کشور فلسطینی اعلام کرده و این مسأله یکی از اصلی‌ترین موانع گسترش توافقنامه‌های ابراهیم محسوب می‌شود. پیش از جنگ غزه، دولت بایدن معتقد بود که به توافق عادی‌سازی میان عربستان و اسرائیل نزدیک شده، اما شرایط سیاسی پس از جنگ، بویژه فشار جناح راست افراطی در اسرائیل، این روند را کاملاً مختل کرده است.

با وجود این دستاوردها، ولیعهد به همه خواسته‌هایش نرسید. توافق هسته‌ای که بیش از یک دهه است میان دو کشور مطرح شده، همچنان معلق ماند. همچنین هنوز مشخص نیست که آیا یک پیمان دفاعی واقعی میان دو کشور شکل گرفته یا تنها یک چهارچوب همکاری کلی است؛ کاخ سفید فقط یک «برگ اطلاعات» مبهم منتشر کرد که از تعهدات دفاعی مشخص خبری در آن نبود.

بود، هرچند که آمریکایی‌ها تمایل داشتند امارات میربان باشد ولی جمهوری اسلامی ایران سلطنت عمان را ترجیح داد. در جنگ ۱۲روزه سلطنت عمان علاوه بر محکومیت شدید تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک ایران و صدور بیانیه در حمایت از ایران، نقش ویژه‌ای ایفا کرد که بعدها باید به آن پرداخت تا مردم ایران از دوستی و همراهی سلطنت عمان با ایران مطلع شوند.

علاوه بر این، پادشاهی عمان کمک‌های سیاسی و اقتصادی قابل‌توجهی در جنگ تحمیلی ۱۲روزه علیه ایران انجام داد که همکاری آنها در بازگشت ایرانیان به کشور و بخشودگی جرایم اقامت بیش از حد مجاز مقرر، نمونه‌ای از کمک‌های این کشور در زمان جنگ بود.

سلطنت عمان، جامعه‌عمانی را نیز در حمایت از ایران آزاد گذاشته است، به طوری که می‌توان گفت، در طول تاریخ هیچ‌وقت ملت عمان تا این اندازه حامی ایران نبودند و امروز مقام معظم رهبری یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌ها در میان عمانی‌ها هستند.

در سطح سیاسی و دولتی، اظهارات مهم

بدر البوسعدی وزیر خارجه عمان در نشست امنیتی منامه، حاکی از توجه ویژه عمان به جمهوری اسلامی ایران است، سخنانی که بازتاب گسترده‌ای در سطح خاورمیانه داشت. بدر البوسعدی در منامه اظهار کرد، دشمن اصلی ثبات منطقه اسرائیل است و ایران به دنبال صلح و آرامش در منطقه بوده و شورای همکاری خلیج فارس طی ادوار مختلف اشتباه کرد که سیاست‌های خصومت‌آمیز با ایران را در پیش گرفت. او حتی حمله ایران به پایگاه آمریکایی العدید در قطر را محکوم نکرد و با سخنان دیپلماتیک حق را به ایران داد.

آنچه ذکر شد، مختصری است از اینکه چرا ما باید در ارتباط با سلطنت عمان به دیپلماسی عمومی اهمیت بیشتری بدهیم. امروز روابط فرهنگی و دیپلماسی عمومی ما به هیچ وجه همدگ روابط سیاسی ما با عمان نیست. کاش همین روز ملی عمان تلنگری باشد که هم بخش دولتی و هم بخش خصوصی و همچنین جامعه عربی به نقش ارتباطات فرهنگی و دیپلماسی عرونی توجه بیشتری نشان دهند. برای مثال، نورافشانی برج آزادی یا برج میلاد به رنگ پرچم عمان، توجه رسانه‌ای به روز ملی عمان خاصه در صداوسیما و اجرای موسیقی مشترک، صد البته می‌تواند به تحقق این مهم کمک بسیار کند.

جهان

بدون روتوش



محمد محسن فایضی

کارشناس مسائل فلسطین

نگاه افکارعمومی جهان عرب به ایران پس از ۱۷ اکتبر

جمهوری اسلامی ایران و ذهنیت نسبت به آن در منطقه در دهه‌های اخیر تحت تأثیر مؤلفه‌ها و تحولات مختلفی بوده است. مؤلفه‌هایی که برخی از آنها خارج از کنترل و عملکرد دوران جمهوری اسلامی بوده و افکارعمومی جهان عرب نسبت به جمهوری اسلامی برآمده از ذهنیت ساخته شده نسبت به روابط خاص و مخفیانه ایرانی‌ها با یهودی‌ها متأثر از دوران پهلوی و حتی پیش از پهلوی است.

این ذهنیت‌های شکل گرفته و قضاوت‌ها گاهی به برداشت و تجربه‌های تاریخی برمی‌گردد. مثل اقدامات پهلوی در همراهی یهودیان زمانی که عرب‌ها در حال جنگ بودند یا تجربه و ذهنیت برساخته شده در همپیمانی ایرانی‌ها با مسیحیان و یهودیان در دوران جنگ میان صفویه و عثمانی. حالا در میان این ذهنیت‌ها، جنگ ایران و عراق و تشدید نگاه طایفه‌ای به ایران و برخی تحولات دیگر در ابتدای انقلاب، فرصتی به جریان عربی ضد جمهوری اسلامی داد تا چندین دهه به تخریب وجهه ایران بپردازد. وجهه ساخته‌شده در دل تحولات منطقه این فرصت را داد تا مسیر را بر پیمای‌های خبری هم هموار کنند. به طور مثال بحران و فتنه سوریه نمونه‌ای از آن است.

این حساسیت‌ها موجب شده همیشه نگرش جهان عرب به رفتار منطقه‌ای ایران اهمیت داشته باشد. مؤسسه فکری «المركز العربی للابحاث و دراسه السیاسات» از مراکز شناخته‌شده، قدیمی و معتبر نظرسنجی جهان عرب است. آمار افکارسنجی این مرکز از مردم کشورهای عربی و نسبت آنها با بازنگران اصلی حاضر در نزاع‌های منطقه‌ای همیشه مورد توجه بوده است.

این مرکز ۱۰ نوامبر گزارشی به نام «ارزیابی افکارعمومی اعراب نسبت به ایران» منتشر کرده است. نکته قابل تأمل اینکه گزارش به آخرین نظرسنجی‌های این مرکز و مقایسه آن با سال‌ها گذشته پرداخته و نتایجی از تغییر نگرش نسبت به ایران در کشورهای مختلف عربی پس از طوفان الاقصی به دست آورده که جالب توجه است.

براساس این گزارش، تصورات جهان عرب نسبت به ایران، در نتیجه تحولات منطقه‌ای و جهانی، در حال تغییر بوده است. درست است که بویژه پس از تحولات ۲۰۱۱، به ایران به عنوان تهدید و قدرتی بی‌ثبات‌کننده نگریسته می‌شد، اما نتایج نظرسنجی‌های استخراج شده از گزارش‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ در مورد جنگ اسرائیل علیه غزه، دیدگاهی پیچیده‌تر را ارائه می‌دهند.

در گزارش نظرسنجی این مرکز قطری آمده است: جنگ اسرائیل علیه غزه در سال ۲۰۲۳ و تشدید تنش‌های اخیر، مستقیماً بر نگرش مردم نسبت به بسیاری از مسائل تأثیر گذاشت. از آنجا که ایران خود را به عنوان حامی قوی جنبش‌های مقاومت فلسطین معرفی کرده است، این امر در نتایج نظرسنجی سال ۲۰۲۴ منعکس شد. ایران مثبت‌ترین رتبه را در میان کشورهای در مورد موضوعش در قبال جنگ غزه به دست آورد. در این نظرسنجی از مردم ۱۴ کشور عربی پرسیده شده، تهدید و دشمن اصلی از منظر شما چیست؟ ۸۲درصد اسرائیل، ۱۲درصد آمریکا و ۹ درصد ایران را انتخاب کرده‌اند و پس از آن کشورهای دیگری با درصد‌های نزدیک به صفر دیده می‌شوند. جالب است که سهم بالایی از ۹ درصد ایران، به دو کشور عراق و لبنان مربوط است که به واسطه جاه‌طلبی داخلی به ترتیب ۴۴ درصد و ۱۹ درصد ایران را به عنوان تهدید اول انتخاب کرده‌اند. ۲۲ درصد کویتی‌ها و ۲۰ درصد سعودی‌ها هم ایران را انتخاب کرده‌اند. این رقم یعنی انتخاب ایران به عنوان دشمن و تهدید اول در میان فلسطینی‌ها تنها یک درصد است، باید دقت کرد که اگر اکنون ۹درصد جهان عرب، ایران را تهدید اصلی می‌دانند، در برخی سال‌های بعد از ۲۰۱۱ درصد تهدید محوری ایران بیش از اسرائیل ثبت شده بود. یکی از نشانه‌های دیگر این تغییر نگرش، کسب رتبه اول ایران در میزان رضایت افکار عمومی عربی در خصوص عملکرد در دوران جنگ غزه است. ایران با ۴۸ درصد در رتبه اول رضایت‌مندی قرار دارد. این در حالی است که تا پیش از طوفان الاقصی تردیدهای جدی نسبت به سیاست و رفتار ایران در مسأله فلسطین در میان افکار عمومی عربی وجود داشت و کشورهایی چون ترکیه، قطر و حتی مصر جایگاه بالاتری داشتند.

برای درک بهتر این تغییر نگرش نسبت به ایران پس از ۱۷ اکتبر می‌توان دو گزاره دیگر نظرسنجی مرکز الفربی للابحاث و دراسه السیاسات را مقایسه کرد. احساس تهدید دانستن ایران در سال ۲۰۱۶ (لوح تحولات سوریه) ۷۲ درصد بوده، اما اکنون کمتر از ۱۷ درصد ایران را تهدید جدی یا نسبی دانسته‌اند که در مقایسه با سال ۲۰۱۶ فاصله فاحشی دارد. تحولات طوفان الاقصی فرصتی مهم و جدی پیش روی ایران برای زدودن دهه‌ها ففاسازی علیه کشورمان در خصوص نیات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است.